



مقاله



سرمایه گذاری خارجی؛ حلال مشکلات یا...؟

قسمت اول

مرضیه بیگم طاهری
کارشناس ارشد توسعه و برنامه ریزی اقتصادی

در ادبیات توسعه، سرمایه به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی مطرح می شود و دستیابی به هدف های توسعه اقتصادی در گرو تأمین سرمایه مورد نیاز است. چگونگی تأمین منابع سرمایه گذاری نیز یکی از چالش های پیش روی کشورهای در حال توسعه است. زیرا آنها علت اصلی عقب ماندگی خود را در کمبود سرمایه داخلی می دانند، حال آنکه عملکرد کشورهای پیشرفته صنعتی نشان می دهد که جذب سرمایه خارجی صرفاً برای جبران عقب ماندگی نبوده بلکه به منظور پیشرفت مضاعف اقتصادی بوده است. از این رو، جذب سرمایه خارجی، خاص کشورهای عقب مانده یا در حال توسعه نیست بلکه کشورهای توسعه یافته و پیشرفته نیز با نگرشی خاص در صدد بهره گیری بینه از منابع خارجی بر آمده اند. آنچه این دو گروه از کشورها را از هم متمایز می کند، در واقع، چگونگی استفاده از یک ابزار اقتصادی در کنار سایر ابزارها، منوط به فراهم بودن شرایط مناسب و برخورد هوشیارانه استفاده کننده آن است.

استفاده از منابع خارجی به سه روش امکان پذیر است:

- ۱- تأمین منابع مالی بدون مشارکت طرف خارجی مثل (وام، بوزانس و خط اعتباری)؛
- ۲- تجارت متقابل (معاملات تهاتری، جبرانی و بیع متقابل)؛
- ۳- تأمین منابع مالی با مشارکت طرف

خارجی (که معمولاً به صورت سرمایه گذاری غیرمستقیم خارجی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی انجام می گیرد).

اما با توجه به تحولات دهه ۸۰ و بحران هایی که کشورهای وام گیرنده با آن مواجه شدند، (بحران بدهی) در دو دهه اخیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی جایگاهی خاص

یافته و به نمود واقعی جهانی شدن تبدیل شده است، زیرا یکی از بارزترین وجوه جهانی شدن در حوزه اقتصاد، از میان رفتن مرزهای بین المللی سرمایه و سیال شدن جریان سرمایه در بین کشورهای مختلف است. رشد فزاینده سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان، ارتباط تنگاتنگ آن با جهانی شدن، اهمیت پیوستن کشورهای در حال توسعه به اقتصاد جهانی، رشد و پیشرفت شگرف بعضی از کشورهای در حال توسعه (چهار بزرگ آسیا) در اثر استفاده از این پدیده موجب شده که کشورها نیز به اهمیت آن پی ببرند و بدان پردازد که نمود این پرداختن در برنامه دوم و سوم توسعه کشور کاملاً مشهود است.

در این مقاله سعی شده است تا بر مبنای تعریفی دقیق از سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تعیین آثار مثبت و منفی آن، شرایط لازم برای جذب سرمایه گذاری خارجی برای کشور میزبان، روند این نوع سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر تجربه دو کشور به عنوان نمونه و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران مورد بررسی قرار گیرد.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تبعات آن

در سرمایه گذاری مستقیم خارجی صدور سرمایه از کشور مبدأ به کشورهای مقصد به صورت سرمایه گذاری در تولید، ساخت کالا، و استخراج مواد خام به منظور کسب سود درازمدت انجام می گیرد. سرمایه گذاران خارجی ممکن است به طور مستقیم یا با مشارکت و سهم شدن سرمایه گذاران کشور مقصد مبادرت به سرمایه گذاری کنند. در این حالت تمایز میان سهم شدن در سرمایه گذاری و سرمایه گذاری مستقیم خارجی از نظر توسعه صنعتی حایز اهمیت است. بنا به تعریف صندوق بین المللی پول، چنانچه میزان سرمایه گذاری کشور مبدأ کمتر از ۲۰ درصد از کل سرمایه مورد نیاز باشد، بحث سهم شدن در سرمایه باید مطرح شود و چنانچه این رقم بالاتر از ۲۰ درصد باشد، می توان از سرمایه گذاری مستقیم خارجی صحبت کرد.^۱ در برخی موارد شرکت های چند ملیتی (بنگاه های فراملیتی) برای کنترل دارایی ها و مدیریت فعالیت های تولیدی در این زمینه سرمایه گذاری می کنند.

این موضوع نیز همانند بسیاری از مباحث اقتصادی دیگر تبعاتی را به همراه می آورد که ممکن است تأثیری مثبت یا منفی بر متغیرهای

کلان و رشد اقتصادی کشور میزبان بر جای گذارد. در این جا به منظور آگاهی از این پیامدها به اختصار به شرح آنها می‌پردازیم:

۱ - پیامدهای مثبت

- موجب تغییر ساختار اقتصادی می‌شود و تولیدکنندگان کارآمد را جانشین تولیدکنندگان ناکارآمد می‌کند.

- اثرات متعدد و پیچیده‌ای بر اشتغال و توسعه نیروی انسانی در کشور میزبان دارد. چنانچه بیکاری علت ساختاری نداشته باشد، سرمایه‌گذاری خارجی موجب افزایش اشتغال می‌شود. از سوی دیگر، شرکت‌های چند ملیتی به دلیل پیوندهایی که با صنایع بالادست و پایین دست دارند، به طور غیرمستقیم بر اشتغال تأثیر می‌گذارند.

- نیروی کار کشور میزبان آموزش می‌بیند و مهارت و تخصص به دست می‌آورد.

- ارتباط و پیوند بین کشورها و اقتصاد بین‌المللی ایجاد می‌شود.

- شرکت‌های فراملیتی با فن‌آوری‌های لازم و دانش فنی روز، تولیداتی با کیفیت صادراتی و تحویل به موقع و قابل اعتماد فراهم می‌کنند و زمینه را برای دسترسی به بازارهای صادراتی در اختیار کشور میزبان قرار می‌دهد.

- نیاز به جهانی شدن اقتصاد کشور میزبان را برآورده می‌کند.

- موجب افزایش رقابت در کشور میزبان می‌شود و با کاهش قدرت انحصاری شرکت‌های داخلی آنها را در معرض رقابت بین‌المللی قرار می‌دهد.

- سرمایه در کشور میزبان را افزایش داده و به نیاز اولیه آنها پاسخ مثبت می‌دهد.

- در طول دوران سرمایه‌گذاری بر موازنه پرداخت‌ها تأثیر مثبت می‌گذارد.

- به تأمین ارز بیشتر برای کشور میزبان کمک می‌کند.

- موجب افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها می‌شود.

- موجب تقویت مزیت نسبی کشور میزبان می‌شود.

- برخی آثار جانبی مثبت را برای کشور میزبان به همراه می‌آورد. برای مثال روش کنترل موجودی انبار که از سوی ژاپنی‌ها ابداع شده بود، موجب بهبود کلی در روش انبارداری کشور میزبان شد و تأثیر بسزایی بر اقتصاد گذاشت.

- موجب انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته و

پیچیده به کشور میزبان می‌شود.

- انتقال دانش فنی، فن‌آوری‌های جدید، مدیریت و اطلاعات مربوط به تولیدات مورد نیاز بازارهای بین‌المللی را به همراه می‌آورد.

۲ - پیامدهای منفی

برای بررسی دقیق‌تر تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر میزان اشتغال‌زایی باید نکات زیر را در نظر گرفت:

- در نتیجه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تعدادی شغل‌های جانبی نیز ایجاد می‌شود که به دلیل فقدان داده‌های آماری، برآورد میزان دقیق آن امکان‌پذیر نیست.

- احتمال اینکه شرکت‌های بومی و محلی به دلیل عدم توانایی در رقابت ورشکست شده باشند و باعث تشدید بیکاری شود، وجود دارد.

بنابراین ممکن است ایجاد شغل در بخش‌هایی از اقتصاد با بیشتر شدن بیکاری در دیگر بخش‌ها همراه بوده باشد. کما اینکه تجربه ایرلند مؤید این مطلب است.

- میزان پارانه‌های پرداختی، تخفیف‌های مالیاتی، فعالیت‌های گمرکی و تسهیلات قانونی به ازای هر شغل ایجاد شده قابل محاسبه نیست.

بنابراین بدون بررسی موردی نمی‌توان پاسخی قطعی و مسلم برای میزان اشتغال‌زایی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه کرد. برای مثال یک بررسی اقتصادسنجی انجام شده از سوی سازمان تجارت خارجی ژاپن برای ۴ کشور

اروپایی بر حسب آمارهای سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که اولاً شیوه مالکیت پروژه در هیچ یک از ۴ کشور مورد بررسی تأثیری مهم بر تعداد مشاغل نداشته است. ثانیاً بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اشتغال رابطه‌ای آماری مثبت

و معنی‌دار وجود دارد. اما میزان کمی آن در کشورهای مختلف متفاوت است (جدول ۱)

کشورها باشند، تعداد مشاغلی که می‌توانند به ازای یک میلیارد پوند سرمایه‌گذاری ایجاد کنند، بسیار متفاوت است (جدول ۲). برای مثال در بریتانیا امکان ایجاد ۷۸۰۰ شغل وجود دارد، حال آنکه در آلمان می‌توان با مبلغ مذکور تعداد ۲۷۹۲۷ شغل ایجاد کرد.

بنابراین حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز که بسترهای مناسب اقتصادی و اجتماعی و حقوقی برای جذب سرمایه‌های خارجی وجود دارد، میزان اشتغال‌زایی یکسان یا لافاقل نزدیک به هم نیست.

جدول ۲

برآورد مشاغل ایجاد شده به ازای یک میلیون پوند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

کشور	تعداد مشاغل
آلمان	۲۷،۹۲۷
اسپانیا	۱۴،۷۳۸
بریتانیا	۷،۸۰۰
فرانسه	۶،۳۴۴

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب تغییر ترکیب شغل‌های موجود و تنزل کیفیت آنها می‌شود. به طوری که شغل‌های رده پایین را به کشور میزبان منتقل می‌کنند و شغل‌های رده بالا را برای نیروی انسانی خود حفظ می‌کنند.

- موجب دو قطبی شدن اقتصاد در بخش اشتغال و دستمزد نیروی انسانی می‌شود به گونه‌ای که دستمزد شاغلان در بخش‌های مدرن اقتصادی اختلاف زیاد با سایر بخش‌ها خواهد داشت.

- قابلیت جابجایی سرمایه و شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی، قدرت چانه زنی نیروی انسانی کشور میزبان را کاهش می‌دهد.

جدول ۱ - تعداد مشاغل ایجاد شده بر حسب میزان سرمایه‌گذاری انجام شده در سال ۱۹۹۶

کشور	تعداد پروژه	تعداد مشاغل ایجاد شده	میزان سرمایه‌گذاری به هزار پوند
بریتانیا	۱۷۵	۶۷،۳۹۷	۲،۵۳۴،۳۴۱
آلمان	۹۴	۳۱،۶۹۴	۷۳۲،۸۷۸
فرانسه	۸۲	۱۸،۳۷۹	۸۱۲،۲۰۵
اسپانیا	۵۰	۱۵،۹۵۳	۵۱۲،۳۱۳
جمع (چهار کشور)	۴۰۱	۱۳۳،۴۲۳	۴،۵۹۱،۷۳۷

- فن‌آوری انتقال یافته به کشور میزبان سرمایه‌بر است، حال آنکه اکثر کشورهای در حال

بر اساس برآوردهای مذکور، اگر شرکت‌های ژاپنی مایل به سرمایه‌گذاری مستقیم در این

توسعه به دلیل نیروی کار فراوان نیازمند فن آوری کار بر هستند تا بدین طریق از بیکاری خود بکاهند.

- با توجه به رشد شتابان فن آوری و سرمایه بر بودن آن، امکان از بین رفتن مزیت فن آوری مورد استفاده وجود دارد. بنابراین چنانچه کشور میزبان درصدد فراگیری و نهادینه کردن آن برنیاید امکان وابستگی فن آوری را تشدید خواهد کرد.

- موجب انتقال تکنولوژی های غیراستاندارد و آلوده کننده محیط زیست می شود.

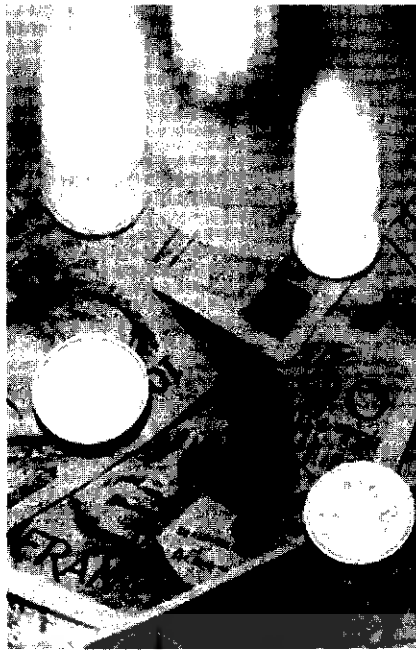
- بالا بودن حق انتقال فن آوری موجب کاهش سود عملیاتی برای کشور میزبان می شود.

- انتقال دانش فنی از سوی شرکت های چند ملیتی به صورت محدود انجام می شود و حال آنکه کشور میزبان نیازمند آن دانش فنی است.

- عدم تطابق دانش فنی موجود با دانش فنی وارداتی شرکت های چند ملیتی، بومی کردن آن را غیرممکن می سازد.

- در سرمایه گذاری مستقیم خارجی الزاماً سرمایه داخلی کشور میزبان افزایش نمی یابد. زیرا شرکت های سرمایه گذاری در صدد حداکثر سازی سود خود هستند و توجهی به شرایط خاص کشور میزبان ندارند و براساس ضوابط بازار عمل می کنند. مثال بارز چنین حالتی را می توان در کتاب "خطرات ابتهاج" خواند. وی می گوید: «وقتی بانک شاهی در ایران تأسیس شد و قرار بود خارجی ها ۱۰۰ واحد پول آن زمان را سرمایه گذاری کنند، ابتدا ۵ واحد پول وارد ایران کرده و کار را شروع کردند. در مدت زمان کوتاهی، از طریق سرمایه داران بومی کل سرمایه تأمین شده و بقیه سرمایه های خارجی هیچ وقت وارد ایران نشد... و کلاً بانک شاهی با سرمایه ایرانی تأسیس شد و برای مدت های طولانی نقش مهمترین عامل توسعه ملی را در ایران بازی می کرد که اسنادش وجود دارد.»

- عسدم هماهنگی و تناسب میان سرمایه گذاری اولیه شرکت های چند ملیتی و سودی که در پایان دوره سرمایه گذاری عایدشان می شود. بررسی های جهانی نشان می دهد که شرکت های فراملیتی امریکا طی سال های ۱۹۶۶-۱۹۸۰ در قبال هر دلاری که در کشورهای در حال توسعه سرمایه گذاری کرده اند، ۲/۳ دلار سود برده اند و فقط ۲۵ درصد این سود را صرف سرمایه گذاری مجدد کرده اند. در این سال ها شرکت های امریکایی ۱۴ میلیارد دلار سرمایه وارد کشورهای در حال توسعه کرده اند، در حالی که رقم خروج ارز از این کشورها تحت



عنوان سود خالص ۵۹ میلیارد دلار بوده است.

- سرمایه گذاری مستقیم خارجی وضعیت کسری تجاری را بدتر می کند.

- سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کوتاه مدت بر ارزش پول داخلی تأثیر منفی دارد و رابطه مبادله تجاری را نیز منفی می کند.

- در این نوع سرمایه گذاری منابع محدود کشور به سمت تولیدات و محصولات لوکس و مدرن سوق پیدا می کند و چون گرایش این نوع سرمایه گذاری ها به سوی مناطق شهری است، موجب افزایش فاصله شهر و روستا خواهد شد.

- کشور میزبان ناگزیر از خرید کالاها و خدمات غیرضروری با قیمتی بسیار بالا خواهد شد.

- سرمایه گذاری مستقیم خارجی موجب تغییر الگوی مصرف در کشور میزبان می شود.

- وابستگی کشور میزبان به سرمایه شرکت های چند ملیتی ممکن است باعث ورشکستگی و زیان اقتصادی کشور میزبان شود.

- جذب سرمایه خارجی، استثمار منابع، جایگزینی شرکت های چند ملیتی با شرکت های محلی، نابودی کارآفرینان بالقوه محلی، و از همه مهم تر وابستگی روز افزون به خارج را به همراه می آورد.

- واقعی نبودن سود رسمی بیان شده از سوی شرکت های چند ملیتی، بر میزان مالیات دریافتی کشور میزبان تأثیر منفی می گذارد. سازمان توسعه تجارت جهانی وابسته به سازمان ملل متحد تخمین زده است که نفع مخفی ۲۳

شرکت بزرگ خارجی در برزیل، ۶/۸ برابر سود اعلام شده به دولت برزیل است و در آرژانتین این رقم ۲۱/۲ برابر سود علنی آنها بوده است.

شرایط لازم برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

برای اینکه کشوری موفق شود توجه سرمایه گذاران خارجی را به خود جلب کند و سهم بیشتری از سرمایه گذاری جهانی ببرد، نیاز دارد زمینه ها و بسترهای لازم برای شکوفایی سرمایه های خارجی را فراهم کند و این بسترسازی مجموعه ای از بایدها و نبایدها را به کشور میزبان القا می کند که ناچار به رعایت است. برای اینکه اهمیت این بستر سازی مشخص شود، ابتدا به اهداف صاحبان سرمایه از سرمایه گذاری در کشورهای دیگر می پردازیم سپس شرایط لازم برای تشویق و تحریک سرمایه گذاران خارجی را بررسی می کنیم.

۱- اهداف و انگیزه های سرمایه گذار خارجی

انگیزه و هدف اصلی هر سرمایه گذار خارجی تحصیل سود در دراز مدت است؛ اما اهداف دیگری نیز در فرایند سرمایه گذاری به شرح زیر وجود دارد:

- بهره گیری از نیروی کار ارزان و فراوان کشور مبدأ و مواد اولیه انرژی - حصول اطمینان از تداوم مواد اولیه

- اقدام به فعالیت هایی نظیر بانکداری و بیمه گری (که در عین سودآوری، شرکت های خودی و کشور مبدأ را نیز حمایت می کند)

- کمبود فرصت های سرمایه گذاری و وجود رقابت شدید در کشور مبدأ و بالا بودن نرخ های مالیاتی در کشور مبدأ

- کاهش نرخ سود در کشور مبدأ (یا کاهش بازدهی مورد انتظار)

- وجود سرمایه مازاد در کشور مبدأ - افزایش سهم خود در بازار و افزایش فروش جهانی

- دایر کردن پایگاه های تولیدی کم هزینه در نقاط مختلف جهان

- افزایش نرخ برگشت سرمایه - افزایش سود دریافتی سهامداران شرکت

خود در نتیجه افزایش هر چه بیشتر سود صاحب سرمایه به ازای آنچه در قبال سرمایه گذاری خارجی به دست می آورد، ملاحظاتی را برای کشور مبدأ به شرح زیر به وجود می آورد:

- کاهش انباشت سرمایه در کشور مبدأ
- افزایش ریسک سرمایه‌گذاری
- کاهش اشتغال در کشور مبدأ (البته در عمل خلاف این موضوع ثابت شد زیرا آمریکا با اینکه بالاترین حجم سرمایه‌گذاری خارجی را دارد مشکل بیکاری ندارد).

۲- شرایط لازم برای جذب سرمایه‌گذاری
- وجود ثبات و امنیت در کشور میزبان (در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوقی و بازارهای سرمایه)
- وجود ریسک کمتر در کشور میزبان (کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری)

موسسه تحقیقاتی EIU مستقر در لندن، وابسته به اکونومیست، گزارشی تهیه کرده و در آن مقدار سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در حداقل ۶۰ کشور را تا سال ۲۰۰۵ پیش‌بینی کرده است. نتیجه این گزارش حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، با آنچه موسسه تحقیقاتی EIU "محیط تجاری" می‌نامد، ارتباط نزدیکی دارد. "محیط تجاری" یک محیط عام است و ۷۰ شاخص مجزا دارد که برخی از آنها شامل محیط سیاسی، ثبات سیاسی، کارآمدی نظام سیاسی، محیط کاران اقتصادی، امکانات و فرصت‌های بازار، بازرگانی خارجی و کنترل ارزی، مالیات‌ها، بازار کار، زیر بناها، بازار پول و سرمایه و تأمین مالی* است.

مطابق با پیش‌بینی گزارش مذکور، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال جاری به میزان قابل توجهی کاهش یافته و ۱/۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به کمتر از ۸۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ خواهد رسید و تمامی این کاهش در کشورهای ثروتمند خواهد بود.

این امر عمدتاً به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری در آمریکا و تنزل شدید آهنگ ادغام‌ها و تصاحب‌هاست. (این دو عامل، دو انگیزه قوی برای سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصادهای توسعه یافته به شمار می‌رود). طبق این تحلیل، سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای فقیر در سال جاری، در سطح ۲۲۰ میلیارد دلار متوقف خواهد شد.

- داشتن منابع طبیعی
- اصلاح ساختار اقتصادی و تعهد به اقتصاد بازار
- داشتن بنیان‌های قوی اقتصادی و حقوقی
- نحوه برخورد کشور میزبان با سرمایه‌های خارجی (همسویی نظرات دولتمردان حاکم با

رهبریت مخالف در جامعه همسوی نظرات مردم کشور میزبان با نظرات دولت خود در نحوه جذب سرمایه‌های خارجی)

- نحوه سیاست‌گذاری دولت در کشور میزبان (اثر سیاست‌های جدید بر منابع سرمایه‌گذار، مخصوصاً سیاست‌گذاری‌ها در حوزه مالکیت، وضعیت استخدامی نیروی کار و مقررات ارزی)

- عدم امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مورد کشورهایی که در معرض خطر "حاشیه شدن در صحنه اقتصاد جهانی" قرار دارند.

- وجود تأسیسات زیر بنایی در کشور میزبان (شامل جاده‌ها، فرودگاه‌ها، بنادر، خطوط ارتباطی و تلفنی، تأسیسات برق و آب رسانی و... عوامل موثر بر قیمت تمام شده تولیدات)
- وجود زیر ساخت‌های مناسب (شبکه ارتباطی، شبکه بازاریابی، ظرفیت نوآوری و تکنولوژیک)

- ترکیب نیروی کار
- تحول اساسی در سیستم بانکی و مالی و ایجاد هماهنگی و تناسب
- وجود بوروکراسی اداری تسریع‌کننده و پشتیبان

- داشتن فضای مطلوب بازرگانی حاکم بر کشور

- وجود شرایط زیستی و محیط مناسب برای سکونت سرمایه‌گذاران خارجی در کشور میزبان

- حجم سرمایه‌گذاری داخلی در کشور میزبان

- ایجاد مناطق آزاد تجاری - اقتصادی
- اتخاذ سیاست خصوصی‌سازی و کاهش ارزش پول کشور میزبان (اجرای بخشی از سیاست تعدیل اقتصادی)

- اصلاح سیستم قیمت‌ها

- میزان باز بودن اقتصاد کشور میزبان

- اندازه بازار کشور میزبان

- حفاظت از مالکیت معنوی

- اندازه بهره‌وری نیروی کار

- رشد مورد انتظار کشور میزبان

- استفاده از محرک‌های پولی و مالی و حقوقی برای جذب بیشتر سرمایه‌های خارجی

- حذف موانع تعرفه‌ای و حقوق گمرکی و دادن امتیازات پارانهای و معافیت‌های مالیاتی.

- برخورد مساوی یکسان با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی

- قایل نشدن هیچ‌گونه محدودیت برای

خروج و انتقال سرمایه، عواید سرمایه‌گذاری، حق امتیاز، عوارض دیون بین‌المللی از کشور میزبان

- ایجاد تسهیلات برای دسترسی آسان سرمایه‌گذاران خارجی به ارز

- کاهش مواد "لیست سیاه"

(محدودیت‌های سرمایه‌گذار خارجی) و به حداقل رساندن مواد آن با شفافیت تمام

- رعایت کردن قوانین عام کشور در دادن امتیازات و امکانات به خارجی‌ان

پی‌نوشت:

۱- سید علی طباطبایی، «ثبات سیاسی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی»، روزنامه نوروز، ش ۱۱۸، ۸۰/۶/۶

۲- مصاحبه باتری کوئل، «سرمایه‌گذاری خارجی، گرایش‌ها و معیارها»، فصلنامه گفتگو، ش ۱۰، بهار ۱۳۷۶.

۳- دکتر احمد سیف، «بررسی کاربردی تجربه اتحادیه اروپایی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۸، ص ۱۹۸-۲۰۱.

۴- دکتر فرشاد مؤمنی، «نقد و بررسی مبانی شوریک سرمایه‌گذاری خارجی»، ماهنامه چشم‌انداز ایران، ش ۸.

۵- مجید رزازی، «قریب بزرگ»، روزنامه کیهان، ش ۱۷۲۶۲، ۲۶ آذر/۱۳۸۰.

۶- دکتر مهدی تقوی، «استراتژی چند ملیتی‌ها، ادوار تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۷-۱۵۸.

۷- مهندس لطف‌الله میمنی «با سرمایه‌گذاری خارجی به کجا می‌رویم؟» ماهنامه چشم‌انداز ایران، ش ۷.

۸- سند برنامه توسعه، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد ۲، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ص ۷۳.

۹- ک. فخرطاولی، «شمشیر سرمایه‌گذاری خارجی FDI»، نشری ترجمان اقتصادی، شماره ۴۱، سال سوم، بهمن ۱۳۷۹.